

جناب

چندی است از کاغذ آبی بوی گشنگ فیه میشود میباید از راه  
 و در آن با هم هر چه ملاحظه میکنم ایرادی نباشد و در وقت سخت بخدمت میکنم و عرض  
 حضور که بر مردم از یکدیگر قبل برستادز که هر اتفاق افتاد در شما صی از شما  
 من در شما سخیل عثمان بنای مترض بهاره از فرقا را و از هر وقت در بوی  
 که آینه در خواش مصرانه از من بگذرد از قدر خودشان در هر سر و در خواش  
 لفاح بنار زنده ناراحت نماند و من در هر طرف منو اگر بهتر از آن  
 نایه بهتر است بر کفوفت که در هر طرف منو ایام عذر و تجزیه منو  
 من خبر دار و نباید قطع این باب بر او و بهانه است مردم در امور مسلم  
 به نیت و حبه ال تحریر در دنیا چه کرده اند بنابر ما اما اصرار آنها  
 نیت ایشان در آنکه اگر کم چیز نویسد در از عیب و عفاست خواهد بود  
 و اگر اجازه ندادم حالت هم مردم کاش موافق باقی است منو  
 بلکه موافقه و تهمید کرده بوم دیگر نه تم در آن انماص رشته که کار را در هر طرف  
 یک از باب در کج در دیدن ما در حاله دیده میوفد با قطع از آنها خود است دیگر  
 که هر اتفاق افتاد و بعضی از نزدیکی من در آنکه از انماص در حالت آنهاست  
 از نیت نفع که منو میگوید با خود و باب حرف منو نیت در آن قری از دور  
 رنجش هرگز نه در خلعت و اگر کم صدق شده منو است تا در هر کس

مرفع الله انهارا خوایم کرد چون امریج جاسته دیکوت موق با زبان کلمه  
مشرف شده اید در کل السحاب هر وقت از این مقوله حرفانم جوایم  
و اینها چه وقت است این خط برای نا از کج جسم من چه بخش از نور  
دارم چرا این دانسته باشم و اگر فی الحقیقه جنس جنین من محتاج بود به مصدق  
منه خواهد داد من از من زد و کتریم با جوایم جوایم من نهان کردم در صدق  
حرف زد و جوایم شیه و کت است در آله و ناله گواهی است اما معلوم  
جوایم من هیچ فیض نیافته جنین من کفنه انه بنام نوشته انه بیاید که  
صفت مرآتیه از خط جوایم تفسیر در کت در دید و خط نامیده من  
چنانکه آثار من منی حکما بود از این جهات من پس در صورت از عقاید  
و ادراک تا سوال میکنم دفتر من است من است با زبان نامرد و با است  
و ده اندوه از من به کمال باشد آفر تا عقیده خطه نام است  
من در دنیا از من تا برادر و کت حوم من از دره باهر باشم  
به نثار انجوام من هر چه فکر کنم نسبت با صبر اگر چه او در خواه من  
به بنیت و صدق در هر من فرام نسبت با نوبه از من به نیت است  
و ترجیح بدان که کس حصر بر او داد دعوی و تغییر عقیده به او خوف  
حکم من کنی و با آن اطمینان و بجز با هر قسم و از این دانستم و جوایم  
دارم به بنیت اگر جنین من من است در عقیده به نیت است

باقی باشد و الله سبحانه و تعالی  
بر عفو او بیاید و منزهات عفو را با پرده برایش نشانی کردیم  
اگر چه انحراف نماز عموماً نسبت منزهات است باینکه هر چه  
قبل از دست منزهات است در تمام منزهات آنرا برود آورده  
باشد آنها عقاید دیگر که در علم و فایده آنها که گفته است باقی مانده  
بعضی منزهات است در نماز است و خواهم و هنوز گفتند آنها ختم شده است  
اولاً در کتب عفو است که گفته اند آنچه نوشته ام در فایده منزهات است اما الفقه را  
برای منزهات است در تمام خوب نوشته ام تا جایز باشد  
و آنچه که در منزهات است بقیه را هم نوشته است در چهاره آنها بقیه  
رجوع نوشته است سابق و لاحق تا در صورت حاجت خواهد کرد و در  
در نماز را اتمار خوب باقی مانده است بر همه را فخر کرده با چهاره همه را  
چهارم فرستیم خداوند اولاً الله تا منزهات است از منزهات است  
و باقی منزهات است در برابر الله از منزهات است در برابر الله که خواهد  
در تمام کمال منزهات است در کمال در کمال منزهات است در کمال  
به انانیه بگویند و بی در آنچه بکفایت حق بجانب باقی و در  
در کوفیه منزهات است که خواهد بود تا آنها را الله از منزهات است